یکشنبه
۳۰ خرداد ۱۴۰۰
شماره ۶۷۸۸
@iranvarzeshii

یادداشت

ایان لیدیمن

انگلیس نمی‌تواند خودش را به رقبای متوسط تحمیل کند

این تیم برای قهرمانی نمی‌جنگد

قرار بود این تیم انگلیس روی پای جلو بازی و دلربایی کند اما تا اینجای یورو ۲۰۲۰ که چیزی نشان نداده. وقتی جک گریلیش پایش به زمین ویمبلی در دیدار با اسکاتلند رسید، انگلیس تنها یک ضربه در چارچوب زده بود تا به دو تایی که در برد مقابل کرواسی زد، اضافه کند. این تیم با این آمار قهرمان جام ملت‌های اروپا نمی‌شود.

خیلی درباره هری کین حرف زده بودند اما او یک بار دیگر در متن بازی قرار نداشت و در نهایت ۱۵ دقیقه به پایان بازی تعویض شد.

اما موضوع فراتر از یک بازیکن است. دو بازی در این تورنمنت انجام داده‌اند و هنوز نتوانسته‌اند مقابل رقبایی که معمولی به نظر می‌رسند، خودشان را تحمیل کنند. این رویه باید خیلی زود تغییر کند.

قبل از شروع مسابقه، نمایشگرهای حاضر در ورزشگاه بارها تصویر گل دوم پاتریک شیک برای جمهوری چک مقابل اسکاتلند را نشان دادند که به شکلی خارق‌العاده به ثمر رسید. کمی غیرمنصفانه به نظر می‌رسید، شاید بهتر بود گل تساوی وقت‌های تلف‌شده کین در بازی سه سال و نیم قبل در همپدن پارک را به تصویر می‌کشیدند.

قطعاً مهاجم تاتنهام می‌توانست تهدیدکننده‌ اصلی تیم استیو کلارک در این بازی باشد. رکورد ۳۴ گل کین در ۵۵ بازی ملی عالی است و اگر اسکاتلند در بازی دوشنبه گذشته برابر جمهوری چک بازیکنی در اندازه او داشت، دست خالی همپدن پارک را ترک نمی‌کرد.

اسکاتلند سه مدافع میانی داشت و به اندازه کافی نیروی جسمی برای مهار کاپیتان انگلیس در اختیارش بود اما اینکه کیفیت لازم برای از کارانداختن او را هم داشتند، بحث دیگری است. کین در بازی اول انگلیس مقابل کرواسی ساکت و بی‌آزار بود، گاهی ایستا و حتی خسته از یک روزگرم.

قبل از مسابقه، تلاش کرد یادآوری کند بازیکن بهتری است نسبت به کسی که آخرین بار در سال ۲۰۱۷ مقابل اسکاتلند قرار گرفته بود. وقتی بازی شروع شد از این ادعا حمایت نشد و تیم کلارک در نیمه اول بهتر بود. در واقع کین تنها یک بار در این نیمه در محوطه جریمه اسکاتلند توپ را لمس کرد؛ آن هم وقتی که می‌خواست با ضربه سری شیرجه وار از سانتر خوب ریس جیمز بهره بگیرد تا این حرکت دوست داشتنی به ثمر برسد.

غیر از ضربه سر جان استونز، نیمه اول برای انگلیس هیچ نداشت. انگلیس تا پایان این نیمه در حالی که بیش از دو ساعت در این تورنمنت بازی کرده بود فقط دو ضربه در چارچوب در کارنامه‌اش بود.

البته کین آمده گل بزند اما کاری از او بر نمی‌آید اگر تیم نتواند بر بازی مسلط شود و مالکیت توپ را حفظ کند. او گاهی مورد انتقاد قرار می‌گیرد برای اینکه برای توپ‌گیری به عقب می‌آید اما به این کار ادامه می‌دهد اگر توپی به سمت او در یک سوم دفاعی حریف نرسد.

در نیمه اول این بازی آخر انگلیس، حرکات امیدوارکننده از کناره‌ها بیشتر دیده شد. رحیم استرلینگ خوش روحیه از زدن گل پیروزی به کرواسی دو یا سه بار به خط دفاع اسکاتلند زد اما کالوین فیلیپس علاقه نشان داد که جلوتر یا عقب‌تر از توپ باشد و به آن نرسد. بیشتر بازی انگلیس در یک سوم میانی زمین شکل می‌گیرد و آنها نمی‌توانند به هیچ حریفی از آنجا ضربه بزنند. اسکاتلندی‌ها سخت کوشیدند و با آمادگی ذهنی بالا اجازه ندادند توپ از وسط زمین به سمت دروازه‌شان نقل مکان کند. بیلی گیلمور، بازیکن چلسی در نخستین بازی‌اش در ترکیب اصلی اسکاتلند شب شلوغی داشت ضمن اینکه تهدید دروازه انگلیس از سمت چپ توسط اندرو رابرتسون آشکار بود.

ساده است، انگلیس شوق و سرعت بیشتری لازم دارد. گرت ساوت‌گیت بازیکنان فنی خوبی در اختیار دارد اما فوتبال جذاب نمی‌شود اگر با سرعت راه رفتن بازی کنید هر چقدر هم که استعداد و مهارت داشته باشید. انگلیس شبیه روزهای ضعیف منچستریونایتد شده بود، پر از استعداد در حالی که با دنده دو حرکت می‌کند.

شاید بین دو نیمه ساوت‌گیت همین‌ها را به بازیکنانش گوشزد کرد. بلافاصله تیم انرژی گرفت و هواداران هم به بازی برگشتند.

جای تعجب نداشت که کین بهره برد و ناگهان توانست در فضاهایی که دوست دارد، بازی کند. روی لبه محوطه جریمه به توپ می‌رسید و جلوتر می‌رفت. پاس خیلی خوبی به جیمز داد و مدافع کناری جوان چلسی آن را از دست داد. بعد در موقعیت دلخواهش قرار گرفت و آزادانه به چپ و راست می‌رفت و شوتی زد که بلوکه شد.

این انگلیس خیلی بهتر شد اما یک سؤال باقی می‌ماند. چرا اینقدر طول کشید؟

منبع: دیلی میل

ایتالیا- ولز، گروه A، ساعت ۲۰:۳۰

دستگرمی آخر

دور آخر بازی‌های مرحله گروهی از امشب شروع می‌شود و ولز به دنبال قطعی کردن صعود خود به مرحله حذفی است. این تیم از دو بازی قبلی خود با سوئیس و ترکیه چهار امتیاز به دست آورده و با تیم روی فرم ایتالیا روبه‌رو می‌شود که شش امتیازی است و از حضور در مرحله یک هشتم نهایی یورو ۲۰۲۰ مطمئن است.

ولز بعد از اینکه در تساوی یک - یک با سوئیس تا حدی خوش‌شانسی آورد، با یک بازی خوب برابر ترکیه به پیروزی ۲ بر صفر رسید تا خاطره یورو ۲۰۱۶ و صعود تا نیمه‌نهایی زنده شود. در این بازی گرت بیل و آرون رمزی درخشیدند، بیل اگرچه یک پنالتی به آسمان زد اما زمینه‌ساز گل اول برای رمزی شد و کانر رابرتز را برای گل دوم راه انداخت. حالا با توجه به اینکه چهار تیم سوم هم به مرحله حذفی می‌روند، ولز شانس خوبی برای صعود دارد. با تساوی از دومی خود مطمئن می‌شوند و با پیروزی به عنوان صدرنشین صعود می‌کنند حتی اگر ببازند هم دوم می‌شوند اگر سوئیس در بازی همزمان ترکیه را نبرد. برای همین شاید راب پیج تصمیم بگیرد به برخی از بازیکنان خود برای سفر به رم استراحت دهد تا تیمش برای مرحله بعد سرحال باشد.

همین اتفاق می‌تواند در مورد ایتالیا رخ دهد اگر چه روبرتو مانچینی ترجیح می‌دهد ضرباهنگ تیمش را متوقف نکند و با سه امتیاز دیگر مقتدرانه به مرحله بعد برود. آتزوری در حالی دو بازی اول خود را ۳ بر صفر برده که قبل از این سابقه زدن سه گل در یک دیدار جام ملت‌های اروپا را نداشت. ایتالیا بعد از باخت یک بر صفر برابر پرتغال در شهریور سه سال قبل، ۲۹ بازی نباخته که در این دیدارها ۲۴ برد داشته. یعنی اگر امشب نبازد با طولانی‌ترین رکورد شکست‌ناپذیری خود یعنی ۳۰ بازی در فاصله سال‌های ۱۹۳۹-۱۹۳۵ برابر می‌شود. این تحول بزرگی برای ایتالیا است که در جام جهانی گذشته غایب بود هر چند بازی‌ها و نتایج خوب، انتظارات را بالا می‌برد. سه بازی آخر ایتالیا و ولز در خاک ایتالیا با ۱۱ گل همراه بوده که همه را میزبان زده است.

ترکیب احتمالی

ایتالیا: دوناروما؛ دی لورنزو، بونوچی، آچربی، امرسون؛ وراتی، کریستانته، بارلا؛ برناردسکی، بلوتی، کیزا

ولز: وارد؛ رابرتز، مفام، رودون، گانتر، ویلیامز؛ مورل، آلن؛ بیل، ویلسون، جیمز

اخبار تیمی

پیچ با استفاده از چهار مدافع و استفاده از کیفر مور در خط حمله در این تورنمنت همه را شگفت‌زده کرد اما مربی موقت ولز شاید برای این بازی تغییراتی ایجاد کند. مور شاید نفسی تازه کند و در شرایطی که هیچ مهاجم دیگری در اندازه او نیست، استفاده از شماره ۹ کاذب محتمل‌ترین گزینه است. به این ترتیب ممکن است هری ویلسون به ترکیب اصلی راه بیابد و دانیل جیمز و بیل کنارش قرار بگیرند هر چند مهاجم رئال مادرید هم شاید استراحت کند. اگر پیچ به دفاع پنج نفره روی آورد، نکو ویلیامز شانس خوبی برای بازی در بال- مدافع چپ دارد و رمزی می‌تواند جای خود را به کریس گانتر بدهد. مثل ولز، پیش‌بینی ترکیب ابتدایی مانچینی هم سخت است چون این مربی با تجربه به دنبال ایجاد تعادل در تیمش است. ایتالیا در این چند روز یک بازی دوستانه با تیمی محلی ترتیب داد تا بازیکنانی که مقابل سوئیس بازی نکردند، فرصت پیدا کنند. در برد ۹ بر یک، آندره آ بلوتی و فدریکو کیزا هت‌تریک کردند و حالا مدعی بازی در ترکیب هستند تا کمی لورنزو اینسینه استراحت کند. جورجو کیلینی در حال بهبودی است و قطعاً رویش ریسک نمی‌کنند و این برای فرانچسکو آچربی جا باز می‌کند. مارکو وراتی که در دو دیدار اول ایتالیا حتی روی نیمکت هم قرار نگرفت، در بازی دوستانه حاضر بود و شاید جای ستاره این روزهای ایتالیا، مانوئل لوکاتلی یا ژرژینیو را بگیرد. هافبک پاری سن ژرمن فصل را با مصدومیت زانو به پایان رساند اما حالا بهبودی کامل به دست آورده.

دیگر دیدار

سوئیس- ترکیه، گروه A، ساعت ۲۰:۳۰

گزارش

ارو گوئه به آرژانتین باخت اما...

افسانه تابارس ادامه دارد

دیروز اوضاع آنطور که ارو گوئه می‌خواست پیش نرفت. «سلسته» اولین بازی‌اش در کوپا آمه‌ریکا را با نتیجه یک بر صفر به آرژانتین باخت. این یک مسابقه بدون گل زده دیگر برای ارو گوئه‌ای‌هایی بود که در سال میلادی جاری حتی یک گل هم نزده‌اند و ۳ بازی متوالی است که نبرده‌اند. از سال ۲۰۱۳ سابقه نداشته که ارو گوئه بتواند بر آرژانتین غلبه کند و این در حالی است که آرژانتینی‌ها در ۵ بازی قبلی‌شان برابر ارو گوئه در رقابت‌های کوپا آمه‌ریکا تن به شکست نداده‌اند.

با وجود مشکلات فعلی‌اش و کم و کاستی‌هایی که در فاز هجومی دارد - حتی با حضور لوئیس سوارس و ادینسون کاوانی در خط آتش تیم - افسانه اسکار تابارس همچنان ادامه‌دار است.

تابارس به زحمت و با کمک عصا راه می‌رود اما او هنوز هم با تمام قدرت دارد به ملتی دیوانه فوتبال خدمت می‌کند، کاری که از سال ۲۰۰۶ انجام داده. داستان او در این تیم نه تنها افسانه‌ای بلکه الهام‌بخش است. بیماری تابارس که سبب شده او نتواند به آسانی راه برود، سندروم «گیاپین باره» است، یک نوع ضعف عضلانی که با تخریب سیستم عصبی بدن توسط سیستم ایمنی بدن به وجود می‌آید. با این وجود این بیماری نتوانسته مانع از ادامه کار تابارس ۷۴ ساله در دومین دوره مربیگری‌اش در تیم ملی ارو گوئه شود، تیمی که در فاصله سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۰ هم آن را هدایت کرد. تابارس که مسبب احیای ارو گوئه‌ای هاست، با وجود قرار داشتن در دهه هشتم زندگی‌اش هنوز هم با همان عصابی که در دست دارد و در حالی که به زحمت می‌تواند راه برود، هر بار که تیمش به گل می‌رسد خوشحالی‌اش را بروز می‌دهد. او یک بار در گذشته گفت: «من بدون هیچ دردی زندگی می‌کنم. در واقع این عصب درمانی است که گاهی اوقات برای من مشکل می‌سازد بخصوص برای راه رفتنم اما از آنجایی که این یک بیماری مزمن است، گاهی اوقات وضعیتم کمی بهتر می‌شود.» سال ۲۰۱۶ که مشخص شد مشکل تابارس چیست، همه فکر می‌کردند که او دیگر استعفا کند اما او نه تنها چنین تصمیمی نگرفت بلکه الان به طرزی حیرت‌آور دارد هفتمین حضورش در کوپا آمه‌ریکا را تجربه می‌کند. او سال ۲۰۱۱ ارو گوئه را برای پانزدهمین بار به عنوان قهرمانی کوپا آمه‌ریکا رساند که اولین افتخار آبی‌پوشان آمریکای جنوبی در این رقابت‌ها از سال ۱۹۹۵ بود اما سی‌ویکمین تقابل او با آرژانتین برای او و تیمش بی‌ثمر بود، تا ناکامی آنها برای غلبه بر رقیب قدیمی در جام ملت‌های آمریکای جنوبی که از سال ۱۹۸۹ شروع شده همچنان ادامه داشته باشد.

اعتراض طرفداران پارما به بازگشت بوفون:

مثل مزدورها رفتی

می‌گفتند بازگشت جان‌لوییجی بوفون به پارما پایانی زیبا برای فوتبال او خواهد بود اما حالا به نظر می‌رسد که اینگونه نخواهد شد.

بوفون چهارشنبه قراردادی دوساله با اولین باشگاه فوتبال زندگی‌اش امضا کرد. او ۲۰ سال پیش پارما را به مقصد یوونتوس ترک کرده بود.

اما بخشی از طرفداران پارما، نارضایتی خود را از این قرارداد اعلام کرده‌اند. آنها دریک پلاکارد که در بیرون ورزشگاه انیو تاردینی نصب کردند، نوشته‌اند: «تو به عنوان یک مزدور تیم را ترک کردی و نمی‌توانی به عنوان یک قهرمان برگردی. به پیراهن باشگاه احترام بگذار».

بوفون که بسیاری او را یکی از بهترین دروازه‌بانان تاریخ می‌دانند، فوتبالش را در ۱۳ سالگی و در سال ۱۹۹۱ و در تیم‌های پایه پارما آغاز کرد و چهار سال بعد، در ۱۷ سالگی، اولین بازی‌اش در سری آ را انجام داد. او با این تیم فاتح جام یوفا و جام حذفی در فصل ۹۹-۱۹۹۸ شد.

با این حال، برخی طرفداران هنوز این دروازه‌بان ۴۳ ساله را نبخشیده‌اند، چرا که او تصمیم گرفت به یوونتوس برود. در آن هنگام، بوفون با قراردادی که امضا کرد، گران‌ترین دروازه‌بان تاریخ شد.

اریکسن به اردوی دانمارک سر زد

کریستین اریکسن که با ایست قلبی‌اش در بازی شنبه هفته پیش دانمارک برابر فنلاند همه را شوکه کرد، بعد از یک هفته بستری بودن در بیمارستان کپنهاگ، مرخص شد. هافبک اینتر در این مدت تحت یک عمل جراحی قرار گرفت تا یک دستگاه کنترل کننده ضربان قلب در بدنش کار گذاشته و از برهم خوردن ریتم ضربان قلب او و تکرار حادثه‌ای مانند آنچه در یورو ۲۰۲۰ رخ داد، جلوگیری شود.

بعد از ۸ روز پر استرس، فدراسیون فوتبال دانمارک در نهایت خیال فوتبال‌دوستان را درباره آینده ستاره شماره ۱۰ تیم ملی این کشور آسوده و اعلام کرد که حال او آنقدر خوب شده که از بیمارستان مرخص شود و پس از ملاقات با هم‌تیمی‌هایش در اردوی تیم ملی، همراه با همسر و فرزندانش به خانه برگردد.

در بازی دوم دانمارک در یورو ۲۰۲۰ که ۲ بر یک به بلژیک باخت، بازیکنان هر دو تیم در دقیقه ۱۰ دست از بازی کشیدند تا همراه با هواداران حاضر در استادیوم، یکپارچه اریکسن را تشویق کنند. قبل از بازی هم یک بنر بزرگ به شکل پیراهن اریکسن با شماره و نام او به نمایش درآمد. حتی روی سکوها هم هواداران بلژیک پلاکاردهایی را به نمایش درآوردند که روی آن پیام‌هایی برای قوت قلب دادن به ستاره اینتر دیده می‌شد.

در همین حال دکتر رینس کیلن فیلد، پزشک آلمانی تیم دانمارک که یکی از اولین نفراتی بود که پس از ایست قلبی اریکسن بالای سر او حاضر شد، درباره آن لحظه و استفاده از دستگاه شوک برای نجات جان ستاره دانمارکی‌ها گفت: «۳۰ ثانیه بعد از انجام عملیات احیا، او چشمانش را باز کرد و من مستقیماً توانستم با او صحبت کنم. واقعاً لحظه تکان‌دهنده‌ای بود، مثل همه لحظات اورژانسی که در زندگی روزمره رخ می‌دهد و شانس موفقیت برای زنده نگه داشتن یک نفر کم است. من از او پرسیدم «آیا صدایم را می‌شنوی؟» و او هم جواب داد «بله، من حرف‌هایت را می‌فهمم، خدای من، من فقط ۲۹ سال سن دارم» آن موقع بود که فهمیدم که او دچار ضایعه مغزی نشده و کاملاً برگشته است.»

اریکسن به زندگی عادی برگشت اما با دستگاهی که از این به بعد باید در بدنش باشد تا ضربان قلبش را کنترل کند، شاید دیگر نتواند در سری A بازی کند. طبق پروتکل‌های پزشکی سری A، بازیکنی که از دستگاه کنترل ضربان قلب به صورت دائمی استفاده می‌کند، نمی‌تواند در این لیگ بازی کند. با این حال هنوز مشخص نیست که دستگاه مورد استفاده برای اریکسن از نوع دائمی است یا موقت. البته حتی اگر این دستگاه دائمی باشد او می‌تواند در لیگ‌های دیگر که پروتکل‌های پزشکی‌شان آسان‌تر است، به دوران بازیگری‌اش ادامه دهد. دالی بلیند، مدافع آژاکس و هافبک تیم ملی هلند که همین الان هم در یورو ۲۰۲۰ بازی می‌کند، نمونه بارز چنین بازیکنانی است که در قلب‌شان دستگاه کمکی دارند.

عاشق بازی در تیم ملی اسپانیا هستم

تیاگو: از فوتبال مدرن متنفرم!

تیاگو، هافبک اسپانیا و لیورپول می‌گوید از ترکیب فرهنگ‌ها در فوتبال مدرن لذت می‌برد و اینکه فوتبال در سال‌های گذشته خیلی تغییر کرده است. او در اردوی اسپانیا در لاس روساس می‌گوید: «پدرم عبارتی داشت که همیشه می‌گفت و هنوز هم می‌گوید: خوشگذرانی یا مسئولیت. این شعار ماست.»

چه چیزی وزن بیشتری دارد، خوش گذراندن یا مسئولیت؟ فوتبال می‌تواند کسب‌وکار بسیار جدی‌ای باشد.

بله اما هر چقدر خوشگذرانی در فوتبال کمتر شده، من همیشه مسئولیت خود را حفظ کرده‌ام و حتی از دوران کودکی اینگونه بوده‌ام. مسأله این است که چطور این دو را با هم ترکیب کنیم.

تو کیستی؟ در ایتالیا متولد شده‌ای، ملی‌پوش اسپانیا هستی، پدرت با تیم ملی برزیل قهرمان جام جهانی شده و تو در آلمان و انگلیس بازی کرده‌ای. این چطور فوتبال تو را شکل داده است؟

بزرگترین تغییری که در فوتبال دیده‌ام در طول نسل‌ها بوده، نه در میان کشورها. من در دوران بازی پدرم عاشق تماشای فوتبال بودم و می‌دیدم که بازیکنان قبل از تمرینات و در هنگام تمرینات چه می‌کردند. من همه چیز را می‌پرسیدم، حتی اینکه قبل از بازی‌ها چه می‌نوشند. یادم هست که اسموتی میوه می‌نوشیدند. من بازی را که آغاز کردم ژاوی، آندرس اینیستا و کارلس پویول را دیدم و متوجه شدم که فوتبال تغییر کرده است. این تغییرات بیشتر نسلی هستند تا فرهنگی اما درست است که لیگ‌ها هویت خود را دارند و این شما را شکل می‌دهد.

فوتبال نسبت به دورانی که تازه پا به میادین گذاشته بودی چقدر فرق کرده است؟

سرعت و ضرباهنگ بازی عوض شده است. بازی‌ها پرشتاب‌تر و فیزیکی‌تر شده‌اند. پست شماره ۱۰ عملاً محو شده است. ما جادوی کمتر و فانتزی کمتری می‌بینیم. فوتبالیست‌ها کارهای بیشتری انجام می‌دهند و با سرعت بالاتری. دیگر نیازی به دریبل زدن نیست چون می‌دوید. بازیکنان از هر جهت بیشتر توسعه یافته‌اند. دیگر آن بازیکنی که در میدان متفاوت بود، بازیکنی که می‌توانست نفس بکشد را ندارید؛ آن بازی‌سازی که کندتر بود و تکنیک ظریفی داشت. او در فوتبال امروز فرصت فکر کردن پیدا نمی‌کند. آنهایی که پاهای سریعی ندارند باید ذهن سریع‌تری داشته باشند.

بازیکن‌ها محکم‌تر از گذشته بازی می‌کنند. این را چطور می‌بینی؟

این را به‌ویژه در تیم ملی دیده‌ام. ما بازیکنان جوانی داریم که سریع، سرشار از اشتیاق، با آمادگی بالا و بسیار هوشیار هستند. زمانی که من ۱۸ سال داشتم، یک قهوه برمی‌داشتم، می‌نشستم، حرف می‌زدم و پنج دقیقه قبل از تمرین، کفش‌هایم را می‌پوشیدم و به زمین می‌رفتم. حالا، ۳۰ تا ۴۵ دقیقه قبل از تمرین، بازیکنان در باشگاه بدنسازی حاضر هستند و کارهای حرکتی و قدرتی انجام می‌دهند. اوضاع پیشرفت کرده است.

حالا چطور؟ آیا بازیکنان مسن‌تر از نسل جدید الگو می‌گیرند؟

ما از همدیگر الگو می‌گیریم. بازیکنان جوان هم مسن‌ترها را می‌بینند و می‌گویند: باید به این سطح برسیم. بازیکنان مسن‌تر هم از ایده‌های جدید توسعه و آماده‌سازی پس از مصدومیت‌ها استقبال می‌کنند و می‌گویند: ما هم این را امتحان خواهیم کرد. در میان بازیکنان جدید، پدری از آن جنس بازیکنان قدیمی است. همه کارهای او طبیعی است. او فوتبال را همانطور می‌بیند که از کودکی دیده است.

کووید چه تأثیری روی فوتبال گذاشته است؟

مربیان می‌توانند با ما بهتر ارتباط برقرار کنند. بازیکنان هم با هم بهتر ارتباط برقرار می‌کنند. تعویض‌های بیشتر به این معناست که تیم‌های دفاعی، تا دقیقه ۹۰ دفاع می‌کنند. تیم‌هایی که شما را پرس می‌کنند، تا آخرین لحظه این کار را انجام می‌دهند. ذهنیت من این است که از فوتبال مدرن متنفرم. من بیشتر فوتبال کلاسیک را دوست دارم. VAR هم هست که همیشه با آن مخالف بوده‌ام. VAR جوهره فوتبال را از بین می‌برد. ما در هنگام بازی اشتباه می‌کنیم و داوران هم اشتباهات خود را دارند. بسیاری از لحظات جادویی فوتبال با VAR ممکن نمی‌شدند. وقتی گل می‌زنید، حتی یک گل درخشان از میانه میدان، منتظر می‌مانید. با خود فکر می‌کنید: امیدوارم قبل از گل من کسی خطا نکرده باشد، امیدوارم آفسایدی نباشد، امیدوارم...

تو درباره تغییر نسل‌ها صحبت کردی اما تغییرات جغرافیایی هم روی شکل‌گیری تو تأثیر داشته است. هم تیمی‌ها، کشورهای جدید و مربیان متفاوت.

البته. بازیکن اسپانیایی تکنیکی‌تر است و بازیکن ایتالیایی تاکتیکی‌تر. در انگلیس، سرعت بازی از هر جهت بالاتر است. در آلمان، بیشتر روی گذار از دفاع به حمله و برعکس تأکید دارند. در فرانسه، بازیکنان جوان بهتر پرورش می‌یابند، به‌ویژه از نظر فیزیکی. داشتن هم‌تیمی‌هایی از کشورهای مختلف و بازی در خارج به این معنا است که مرزهای معمول خود را در هم می‌شکنید.

تو یکی از ۶۵ فوتبالیستی هستی که در یورو ۲۰۲۰ برای کشوری بازی می‌کنند که در آن متولد نشده‌اند.

من از نظر فرهنگی هیچ مرزی ندارم. شما باید تجربه خود را بسازید. شما باید بازتاب فوتبال کشورتان باشید، نه خود کشورتان. من از تماشای ترکیب فرهنگ‌ها لذت می‌برم. وقتی می‌بینید که چطور میلیون‌ها نفر فوتبال را دنبال می‌کنند و بعد از هر بازی چقدر احساساتی می‌شوند، از اهمیت فوتبال باخبر می‌شوید.

آیا این حس سنگینی نیست؟ اینکه شادی مردم وابسته به تو باشد.

اتفاقاً برعکس. این انگیزه بخش ما است، نه اینکه فشاری بر ما باشد. ما همه با فشار بزرگ شده‌ایم و عاشقش هستیم. ما ورزشگاهی با ۹۰ هزار تماشاگر را به ورزشگاه خالی ترجیح می‌دهیم.

زمانی که پپ گواردیولا به بایرن آمد، گفت: یا تیاگو یا هیچ کس. چه حسی داشتی؟

این منبعی بسیار بزرگ از انگیزه بود. پپ در بارسلونا با وجود اینکه بازیکنان بزرگی بودند، به من فرصت بازی می‌داد. او آن فوتبال را ساخته بود و با آن همه بازیکنان بایرن گفت: تیاگو، من تو را در تیمم می‌خواهم. این فوق‌العاده بود. من همیشه بیشترین انتظار را از خودم دارم و اگر در کنار بهترین مربی دنیا باشم که چه بهتر.

سبک کلوپ بسیار متفاوت است. آیا لوییس انریکه در تیم ملی ترکیبی از این دو است؟

به نظرم هر مربی‌ای تمام این خصلت‌ها را کم و بیش دارد. بازی برای لوییس آسان است چون او جاگیری تحلیلی پپ و پرس کلوپ را دارد. او به روشنی توضیح می‌دهد که چه می‌خواهد. ایده‌هایش روشن است و سه سال است روی آنها کار می‌کنیم.

با تماشای یورو، دوست داشتی در کدام تیم بازی کنی؟

به این فکر نمی‌کنم. من عاشق بازی در تیم ملی اسپانیا هستم. من به این فکر می‌کنم که با بازیکنانی که دیده‌ام، می‌توانم چهار، پنج تیم منتخب بسازم!

وقتی آن اتفاق برای اریکسن افتاد، چه فکری کردی؟

گفتم: امیدوارم او حالش خوب باشد. ما داشتیم به تمرین می‌رفتیم و همه امیدوار بودند که او حالش خوب شود. در آن لحظه در راه تمرین بودیم و هم می‌گفتیم: ما با فوتبال بازی کردن چه می‌کنیم؟ و هم می‌گفتیم: امیدواریم او خوب شود و بتواند دوباره فوتبال بازی کند. ترکیبی از احساسات متناقض داشتیم. نوعی پس زدن فوتبال، فکر کردن به اینکه هدف فوتبال چیست و البته این حس که چقدر خوش اقبالیم که فوتبال بازی می‌کنیم.

منبع: گاردین

حمله مورینیو به باشگاه‌های سابقش:

بعضی‌ها به من دروغ گفتند

ژوزه مورینیو به چندین باشگاه سابقش حمله کرده است. او چند روز پس از اخراج از تاتنهام به ایتالیا رفت و با رم قرارداد امضا کرد.

از مورینیو ۵۸ ساله سؤال شده که جهت یک باشگاه چه تأثیری روی مقصد بعدی‌اش دارد و او گفت: «من گاهی اشتباه می‌کنم. من همیشه پروژه‌های مناسب را انتخاب نکرده‌ام، یا شاید درباره پروژه‌ها به من دروغ گفته باشند. من اشتباهاتی داشته‌ام و گاهی با اطلاعات غلط، کاری کرده‌اند که پستی را بپذیرم که نباید قبول می‌کردم. این حرف من نیست و فردی بسیار مهم‌تر از من گفته که هر کسی اهداف و انگیزه داشته باشد، هرگز پیر نمی‌شود. من باور نمی‌کنم که ۳۰ سال تجربه در فوتبال مدرن دارم، یا ۵۸ سال سن دارم، چون همیشه انگیزه‌ام را تجدید کرده‌ام.»
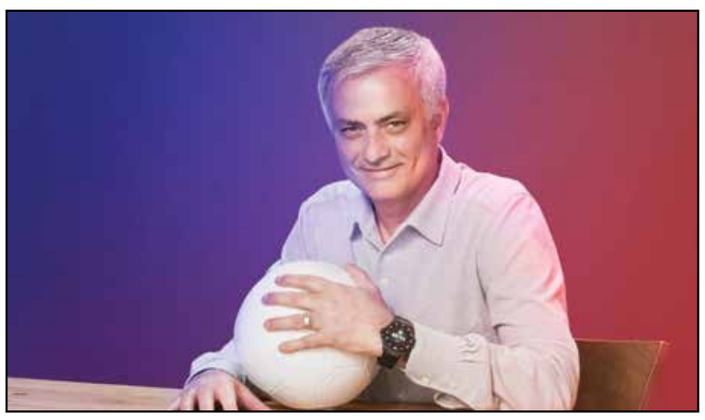
دوران حضور او در منچستر یونایتد و تاتنهام با تلخی تمام شد. مورینیو با یونایتد سه قهرمانی کسب کرد: کامیونیتی شیلد، جام اتحادیه و لیگ اروپا. حضور او در تاتنهام مثبت آغاز شد اما نتایج او مانند یونایتد رو به افول نهاد و این تیم به شکلی تحقیرآمیز از لیگ اروپا حذف شد.